



عکس: نیستا

استاد علیرضا مشایخی در گفت‌وگو با «ایران» از فعالیت‌های موسیقی اش می‌گوید

ما در جهت تاریخ حرکت می‌کنیم

پنجم آوریل ۱۹۶۴ کنسرتو برای ارکستر از من در سری «موزیکا نووا» در رادیو وین توسط ارکستر سمفونیک رادیو وین اجرا شد و در سال ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ قطعه «شور» را تصنیف کردم که در مجموعه موسیقی قرن بیست و یک توسط مؤسسه فیلیپس منتشر شد و چند سال قبل در آنتالوزی موسیقی (بلژیک) پذیرفته شد و خلاصه کنم جمعا حدود ۴۰ آلبوم از آثار من در ایران، بلژیک، فرانسه و آمریکا منتشر شده است.

■ درباره نظریه «هزار آهنگساز ایرانی» بیشتر توضیح دهید؟

علت تأکید من بر تعداد بسیار آهنگساز ایرانی از این رواست که آهنگسازان بیشترین تأثیر را در ساختن محیط موسیقی دارند. اجازه دهید روشن تر بگویم؛ یک نوازنده برای مثال یک پیانیست می‌تواند با اجرای چند اثر یک آهنگساز معروف برای مثال بتیون براحتی سالن کنسرت را پر از شنونده کند و برای به‌دست آوردن یک سالن مناسب مجبور به زحمات زیادی نباشد و اگر سالن نقص فنی داشته باشد نوازنده مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد با اگر ساز پیانو آن طور که باید دارای کیفیت بالایی نباشد و دست آخر در هر صورت به اعتبار بتیون نوازنده نسبتاً موفق شب را به پایان می‌رساند اما یک آهنگساز ایرانی باید تلاش کند سالی را که به زحمت به دست می‌آورد اگر لازم باشد با ایجاد تغییراتی مناسب اجرای اثرش کند و اگر سازها خوب نباشند باید وسایل تعمیر آنها را خود تهیه کند. برای هر

کدام سال از تماشای باید فعالیت‌های جهانی بیشتر از یک نوازنده موسیقی کلاسیک داشته باشد. این چنین است که این نوع تعمیرات سازها و وسوس‌های مربوط به آکوستیک سالن، اطلاع‌رسانی کنسرت جموعاً باعث کمک به جامعه موسیقی می‌شود. این نگاه علت بنیادی نظریه هزار آهنگساز ایرانی است. امروز بی‌نیاید خوشحالم که بسیاری از جوان‌ها موسیقی امروز خودشان را می‌نویسند و اگر به موسیقی نو تأکید دارم یک دلیل ساده دار. شما اگر خواهید مقلد موسیقی اروپایی باشید ناچار هستید متفاوت از آن موسیقی که آنها نوشته‌اند بنویسید و آن می‌شود یک اثر نوین و تازه و هیچ موسیقی براساس تقلید تکامل پیدا نمی‌کند و در ارتباط با موسیقی ایرانی هم سال‌ها قبل گفته بودم امیدوارم ایرانی‌ها با موسیقی خود کاری نکنند که با نفع کشورشان کردند. ما یک موسیقی بسیار غنی داریم اما چون ما از دیگران رنگین‌تر نیست و اینگونه نیست که به‌طور مثال آلمان موسیقی غنی ندارد؛ موسیقی غنی آلمانی در بتیون، باخ، موتزارت تلور پیدا کرده اما موسیقی ما تلور پیدا نکرده و رضایت داده‌ایم که آن خط ملودی را بدرستی بنوازیم در حالیکه به لحاظ محتوایی پیشرفتی نداشته. اما این نگاه نباید باعث شود فکر کنید کسانی که مانند مجید کیانی که اینقدر خوب موسیقی ایرانی را عرضه می‌کنند قدر ندانیم این نگاه به جای خود اما با این روش موسیقی ما به پایان نمی‌رسد و احتیاج به مسیر

■ موسیقی نو که شما از آن سخن می‌گویید با ترکیب سازها و ملودی‌های تازه عرضه شده است؟

موسیقی در تمامی ابعاد خود می‌تواند به طرف نو بودن تجربه شود ما (ارکستر موسیقی نو) را بر این اساس ساختیم که سازهای ایرانی را در متهای ملودی‌های ایرانی از نظر توان عرضه موسیقی ارزشگذاری کنیم بنابراین قطعات متنوعی فقط برای سازهای ایرانی یا برای سازهای ایرانی همراه سازهای بین‌المللی برای میکرونون‌ها و گام تعدیل شده به اجرا درآوریم. در زمینه اخیر یک مجموعه بزرگ تحت عنوان «باغ‌های ایران» که به‌صورت نت انتشار یافت که در آن سعی در ایرانی نوشتن در محدود گام تعدیل شده برای پیانوسولو و هم برای پیانو و ارکستر بوده که به‌صورت آلبوم هم منتشر شده است.

■ جریانی که شما در موسیقی خود به‌وجود آوردید براساس دانش و آگاهی بوده اما در

این یکی دوده اخیر جریانی دیگر راه‌اندازی شده و آهنگسازان با ترکیب سازهای غربی و ایرانی موسیقی دیگری ارائه کرده‌اند با عنوان فیوزن یا تلفیقی. این ایده با کار شما چه تفاوتی دارد؟

باید بگویم اولین ارکستری که حدود ۳۰ سال قبل با ترکیب سازهای ایرانی و بین‌المللی تشکیل شد ارکستر موسیقی نو بوده است و واژه موسیقی تلفیقی را برای نخستین بار در گفت‌وگو با هومان اسعدی (موزیکولوگ) مطرح کردم و بتدریج آن را به واژه صحیح‌تری تبدیل کردم تحت عنوان موسیقی چند فرهنگی. موسیقی چند فرهنگی تر آهنگسازان من بوده از حدود سال ۱۹۶۸ که اولین نمونه موفقیت‌آمیز آن در سطح جهانی قطعه «شور» بود که قبلاً به آن اشاره شد و اولین بار در موزه شهر آمستردام اجرا گردید و بعد از مدتی این قطعه را کمپانی فیلیپس منتشر کرد، مجموعه‌ای تحت عنوان «دورنمای قرن بیست و یک» و در بین استودیوهای معتبر آن زمان قطعاتی را انتخاب کردند که فکر می‌کردند برخی از این قطعات به قرن بعد راه پیدا خواهد کرد و «شور» یکی از این قطعات بود و بر آن پایه، من در نگاه به موسیقی ایران پرداختم. زمانی که به کمک کامپیوتر از فواصل خارج از گام کروماتیک استفاده کردم مانند قطعه «شور» یا «صبا» که در بزرگداشت مرحوم صبا نوشتم یا قطعه «میترا» و قطعات دیگر که در محدوده گام تعدیل شده تصنیف شده‌اند، مانند مجموعه «باغ‌های ایرانی». نگاه من به موسیقی ایرانی و موسیقی چند فرهنگی به یک برخورد ختم نمی‌شود و با انواع و اقسام ایده‌ها به این چالش پرداختم. اثر عظیمی مانند «شهرزاد» را بر همین اساس تصنیف کردم البته یک ختم نوازنده که به

اطلاع دارم فکر می‌کنم برای نخستین بار باشد یک تنوری آهنگسازی باین حجم اطلاعات از شرق به غرب می‌رود؛ چون تمام تنوری‌هایی که اغلب آهنگسازان ایرانی از آن استفاده کردند از آثار غربی بوده ولی در بکارگیری تنوری‌هایی هستم که خودم طراحی کردم و جواب خیلی راضی کننده‌ای در قطعاتی مثل شهرزاد و باغ‌های ایرانی داده است.

■ موسیقی که طی این سال‌ها در به‌وجود آمدن آن تلاش کرده‌اید مخاطبش در ایران خاص بوده است؟ مخاطب این موسیقی در ایران کجاست؟

مخاطب آن می‌تواند تحت شرایط صحیح ارائه موسیقی، همه ملت ایران باشند اما ما در آن شرایط صحیح عرضه موسیقی قرار نداریم.

■ شرایط صحیح از دیدگاه شما چیست؟

نخست اینکه مدرسه درست موسیقی ایجاد کنیم و موسیقی کلاسیک را بدرستی آموزش بدهیم. بر این اساس چه نوعی می‌توان داشت؛ و آن بستری که مردم باید می‌بینند در این موسیقی‌ها گوش بدهند فراهم نیست. من به سفارش یکی از برنامه‌های رادیو ۱۰ برنامه در خصوص موسیقی معاصر دنیا تهیه کردم اما شخصی که سفارش دهنده این کار بود به من گفت موزیک بسیار ارائه شده اما کلام کمتری در این برنامه شنیده می‌شود و من در پاسخ گفتم دوست عزیز موسیقی را دست آخر نمی‌توانی با سخنرانی تفهیم کنید بلکه باید خودش را بشنویید و همانطور که اشاره شد در دسترس نبودن موسیقی علمی یا کلاسیک کار را دشوار می‌کند.

■ مخاطبان ارکستر سمفونیک ایران اغلب دانشجویان موسیقی بوده یا افرادی که به‌صورت جدی موسیقی کلاسیک را دنبال

ارکستر سمفونیک تهران قبل از انقلاب از صدها ساعت آثار موسیقی ام، حدود یک ساعت از موزیک من را اجرا کرد و این نگاه و لطف آقای فرهاد مشکلات بود که به این موضوع توجه داشت و بعد از انقلاب هم به همین میزان ساعت، اما چربی اجرا نشدن آن را باید از مسئولان آن سؤال کرد.

■ توضیحی درباره «موسیقی چند صدایی» و «موسیقی چند فرهنگی» بگویید؟

هنگامی که بیش از یک ساز در یک اثر موسیقی نقش ایفا می‌کند ما صحبت از موسیقی چند بخشی یا چند صدایی می‌کنیم، اما چند فرهنگی انواع مختلف دارد و زمانی است که شما موسیقی ایرانی را با فرهنگ‌های دیگر وارد گفت‌وگو کنید. موسیقی چند فرهنگی زمانی است که قوانین چند صدایی آن، از ادغام فرهنگ‌های مختلف به‌وجود آید و در این زمینه انواع و اقسام می‌توان کارهای متفاوتی عرضه کرد. در بین کارهای من می‌توان از قطعاتی مانند «همراه شوین»، «همراه دیوسی»، «مشایخی شوپرت»، «سوزان من» که هر یک به نحوی ادغامی است از گویش‌های مختلف که نگاه فنی به آن در حوصله این گفتار نیست.

■ یک نگاه فلسفی هم به موسیقی دارید که به نوعی «فرالیکس» خوانده می‌شود. ارتباط آن را با موسیقی در چه می‌دانید؟

زیربنای تفکر موسیقی من فلسفه موسیقی ام است و اگر مطالعه‌ای در این آثار داشته باشید متوجه این وابستگی خواهید شد. من موسیقی را به‌عنوان زبانی می‌بینم که تنها از طریق فرکانس‌ها قابل بیان و فهمیدن است و مخالف موسیقی توصیفی هستم و معتقدم توصیف کار موسیقی نیست. مسأله دیگر مطالعه عنصر ناشناخته در هنر موسیقی است. در واقع چیزی در هنر است که ما آن را نمی‌شناسیم و تعریف نشده است اما چگونه آن را درک می‌کنیم؛ فرض کنید تعداد کتاب‌هایی که پتهون خوانده و آهنگساز شده ۵۰۰ عدد بوده اما فقط پتهون این کتاب‌ها را خوانده بلکه همزمان صدها آهنگساز دیگر هم این کتاب‌ها را خوانده‌اند، اما آنچه باعث می‌شود موسیقی پتهون متفاوت با آثار دیگر آهنگسازان باشد همان عنصر یا اندیشه ناشناخته است و فقط از طریق الهام می‌توان به این عنصر ناشناخته دست یافت و این تعریف حاصل سال‌ها تحقیق فلسفی من است. بنابراین یک عنصر ناشناخته در اثر هنری وجود دارد که می‌تواند آن را از سایر آثار هنری متمایز کند و پلی که آهنگساز را به عنصر نامبرده وصل می‌کند «الهام» است. اینها مسائل اصلی است که در ترزهای فلسفی هنرم است که مورد بحث قرار گرفته است که جمعا شامل ۱۵ می‌شود که زیربنای فکری من در موسیقی است.

■ بر این اساس آینده موسیقی که شما از آن سخن می‌گویید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

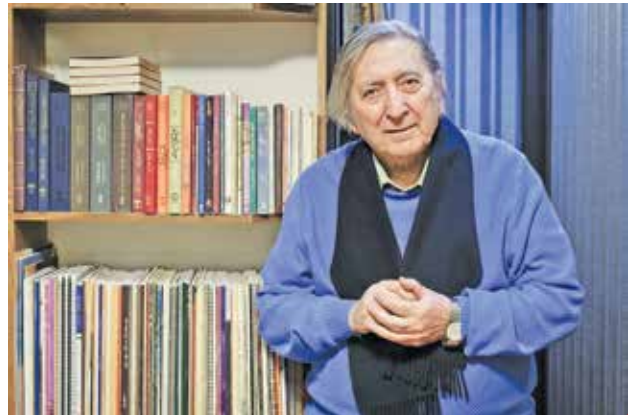
موسیقی به موازات تمدن حرکت خواهد کرد اگر ما در تمدن توقف کنیم موسیقی هم را که می‌ماند و تا انسان وجود دارد و کنجکاو است موسیقی هم باقی خواهد ماند و هنر کنجکاو و موسیقی تفکر به‌وجود خواهد آمد و هر فعالیتی که در این زمینه انجام بگیرد مانند جشنواره‌های مختلف از هیچ بهتر است؛ البته که هیچ‌گاه در هیچ فعالیتی از من دعوت نشد و نخواستند من را ببینند و چند دوره مد کارشنکی و بی‌اعتنایی قرار گرفت که در این باره شکایتی ندارم.

■ می‌کنند و گوش می‌دهند و شاید بتوان گفت همه مردم را در بر نمی‌گیرد. نظر شما در این باره چیست؟

شاید به این علت باشد که این موسیقی کمتر عرضه شده است. بنابراین باید امکانات اجتماعی را هم برای آن در نظر گرفت و نکته دیگر اینکه روی ارائه موسیقی کلاسیک کار جدی صورت نگرفته است و تمام تلاشی که گروه ما طی این سال‌ها انجام داد تربیت یک تعداد آهنگساز بود که شاید در این رابطه خانواده‌های درجه اول و دوستان آنها هم نسبت به این موسیقی کنجکاو شوند و بیش از این نمی‌توانستیم توقعی داشته باشیم و باید بگویم موسیقی کلاسیک در همه دنیا خاستگاه خود را دارد.

■ آیا ارکستر سمفونیک در این سال‌ها آثار شما را اجرا کرده است؟

لحاظ تکنیکی بسیار چیره دست است این کار را ضبط کرد و در این قطعه از سازهایی همچون سنتور و تمبک استفاده کرده که کار بسیار سخیفی است اما خوشبختانه ضبطی از استاد قوام صدی از شهرزاد موجود است و یک ضبط هم حدود ماه گذشته توسط یک نوازنده آلمانی به نام «مورینتزارنست» در آن کشور انجام گرفت و اینها نمونه‌هایی از آثار موسیقی تکامل یافته ایرانی من است. کارهایی که امروزه تحت عنوان موسیقی تلفیقی صورت گرفته اکثر از دانش و آگاهی خوبی برخوردار نیستند و تمایل ندارم در این باره صحبت کنم. اما موسیقی من براساس تنوری چند صدایی نوشته شده است که در جلد دوم «فرهنگ آهنگسازی من» معرفی شده و به زبان‌های فرانسه و انگلیسی ترجمه می‌شود و تا جایی که



عکس: رضا مظفریان/ایران

موسیقی نو در ایران ۳

«گروه موسیقی تهران» سال ۱۳۷۲ توسط فریماه قوام‌صدری و علیرضا مشایخی تأسیس شد. از اهداف این گروه، آموزش و معرفی آهنگسازان نوازنده و امکان طرح «موسیقی نو» در ایران بوده است. تأکید علیرضا مشایخی بر «موسیقی نو» از نقطه نظریات متفاوت، قابل بررسی و آثار او مصداقی از طرح بنیانی و مدون «موسیقی نو» است. این آثار، بر پریش‌هایی درباره چیستی موسیقی ایران، نسبت شرق و غرب و چیستی صدا کشوده هستند.

آثار علیرضا مشایخی در یک نگاه

باغ‌های ایران برای پیانو

آثری از علیرضا مشایخی با نوازندگی فریماه قوام صدی که شامل ۶ قطعه است. این کار با ارکستر سمفونیک ملی اوکراین ضبط شده است.

موسیقی نو در ایران

فریماه قوام‌صدری، علیرضا مشایخی
MUSIC FOR PIANO
پیانو فریماه قوام‌صدری

پنجره‌های زاکروس با شیشه‌های کوچک رنگی

آثری از علیرضا مشایخی در این کتاب، پس از طرح میانی چند فرهنگ گرایی، رویکردهای متفاوت علیرضا مشایخی به این موضوع تبیین شده است.

پنجره‌های زاکروس

آثری از علیرضا مشایخی و فریماه قوام صدی و با آهنگسازی علیرضا مشایخی است. این آلبوم در سبک کلاسیکال و شامل ۲۰ قطعه موسیقی است.

شهرزاد اپوس ۱۱۵

علیرضا مشایخی، این قطعه را قصه‌ای در ۹ فصل برای پیانو نامیده است. در کنار آهنگسازی علیرضا مشایخی، فریماه قوام صدی هم نوازندگی کرده است.

شهرزاد

علیرضا مشایخی
SHAHRAZAD
Nove movements for piano Op. 115